گفت‌وگوی «وطن امروز» با یوسفعلی میرشکاک

دولت اصلاحات دنبال دین‌زدایی بود

حسین قرایی

بخش دوم

■ جناب میرشکاک، بد نیست مقداری راجع به شعر آقاسی و تلاش او در حیطه شعر صحبت کنیم. مرحوم «محمدرضا آقاسی» چه مقدار شعر فارسی را رشد داد؟

از این نظر که توده‌های مردم را از جایگاهی که داشتند، یکی، دو قدم بالاتر برد و در توده‌های مردم اثر گذاشت، می‌توان برای ایشان جایگاه قائل بود.

■ یعنی می‌توانیم بگوییم «آقاسی» مردم را با شعر آشتی داد؟

بله! تعبیر خوبی است.

■ شخص دیگری که می‌خواهم راجع به ایشان مبسوط صحبت بفرمایید، «محمدرضا رحمانی» متخلص به «مهرداد اوستا» است. تا آنجا که در آثار شما خواندم، می‌دانم ایشان را به عنوان «معلم» و «استاد» خود قبول دارید. از ایشان برای‌مان روایت کنید.

من اولین بار مرحوم «اوستا» را در حوزه هنری دیدم، «استاد حمید سبزواری» ایشان را به همراه خودش آورده بود و این سرآغاز آشنایی ما بود. این بزرگوار از شعر من خوشش آمد و باب آشنایی گشوده شد. آن زمان من عضو شورای شعر و موسیقی رادیو بودم (آن وقت‌ها یک رادیو بیشتر نداشتیم). یکی از مواردی که شاید سبب شد «مرحوم اوستا» مرا بیش از اندازه تحویل بگیرد، قصیده:

«هرگه که یاد آن قد و بالا کنم

جاری ز دیده اشک چو دریا کنم»

است که به استقبال از ایشان است و از ناصر خسرو است و به قول ناصر خسرو «نادره بحر عروض»، «مفعول، فاعلات، مفاعیل، فع» آنجا من می‌گویم:

«شرم آیدم ز عاشقی خویشتن

چون یاد مهرداد اوستا کنم

چون مهرداد پیر شوم یک شبه

تا عاشقی آن چنانت مهیا کنم»

و فکر کنم چند بیت دیگر در این قصیده کوتاه راجع به استاد هست. ویژگی عمده استاد اوستا این بود که «قصیده» را از فیلتر «غزل» گذراند. به نحوی که اگر دقیق شوید، می‌بینید «قصیده» را به لطافت «غزل» می‌گفت.

قصیده را دارد اما چون مضمون و غایات، غایات عاشقانه هستند، کل قصیده شکل غزل به خودش گرفته، الا اینکه از حیث طول ابیات و الفاظ و تناسبات لفظی و معنوی همان ویژگی‌های قصیده است اما به زبان و عاطفه و خیال که رجوع می‌کنید، می‌بینید حالت غزل دارد. از این بابت واقعا یک پدیده استثنایی است، غزل‌هایش هم غزل‌های استثنایی است اما آنچه در شعر ایشان بود و البته تاثیرش را نیز بر بنده گذاشت، دقت فراوان بر زبان و الفاظ، مفردات و ترکیبات یعنی رو به عوام نکردن است.

در نثرشان هم اینگونه است. مثلا در «تیرانا» این ویژگی را شاهد هستیم.

■ «تیرانا» حیرت‌انگیز است. غالب اوقات می‌شود قطعاتی از آن را از «تیرانا» جدا کرد و به شکل شعر سپید منتشر کرد و هیچ کس نمی‌تواند بگوید شعر سپید است یا نثر؟!

و در همان «تیرانا» برخی از اندیشه‌ها را نقد می‌کند.

یا آنکه آنجا بحث‌های عرفانی، سیاسی، فلسفی، عاطفی، اجتماعی، نقد شعر و پرداختن به مسائل عمده جهانی مطرح می‌شود، با این وجود، سختگی این نثر به هیچ وجه از دست نمی‌رود! من گرایش به اشرافیت زبانی یا به تعبیر مرحوم دکتر فردید «تنزیه زبانی» را از او یاد گرفتم به همین جهت گاهی اوقات برای نوشتن یک مقاله وقتی را صرف می‌کنم که بعضی‌ها برای چند داستان کوتاه صرف می‌کنند که فکر نمی‌کنم اینقدر هم وقت صرف کنند (خنده) چون اغلب اوقات کتاب‌های داستانی که دوستان عنایت می‌کنند و برای من می‌آورند، چند صفحه ورق می‌زنم و به نثر طرف نگاه می‌کنم، وقتی دیدم نثرش شلخته است، می‌گذارمش گوشه‌ای و بعد آن را در کیسه زباله می‌اندازم! چون خیلی از جماعت نویسنده، فارسی بلد نیستند، خیلی از شاعران هم بلد نیستند. نویسنده‌های‌مان که دیگر واویلا! (۲ دستش را به هم می‌زند و صدایش رنگ فریاد می‌گیرد). به زحمت می‌شود نویسنده‌ای را پیدا کرد که زبان فارسی بلد باشد. در بر و بچه‌های خودمان شاید یکی، دو نفر باشند که بتوان گفت فارسی نوشتن‌شان قابل تامل است. یکی آقای محسن مؤمنی و دیگری آقای رضا امیرخانی و یکی، دو تای دیگر هستند که می‌شود فارسی‌شان را تحمل کرد و خواند. خیلی از جماعت که اخیرا سر و صدا می‌کنند و جایزه می‌گیرند، اصلا فارسی بلد نیستند بنویسند؛ مبتدا غلط، خبر غلط، افعال غلط، علائم مفعولی غلط، یعنی اینها یک جمله درست هم نمی‌توانند سرهم کنند!

■ با توجه به شوق شما نسبت به شیوه نثر مرحوم اوستا احساس می‌کنم باید کتابی راجع به ایشان قلمی کرده باشید ولی منتشر نشده باشد چون خیلی اوقات دیدم از شاعر «راما» سخن رانده‌اید.

بله! جلد اول «اوستا، پژوهش دردناک هستی» را نوشتم، شاید جلد دومش را هم نوشتم.

■ به جوان‌ها هم خواندن آثار «اوستا» را پیشنهاد می‌کنید؟

به نظر من اگر کسی با شعر اوستا و هنرهای زبانی او آشنا نباشد و بخواهد شاعری کند، یک وجه عظیمی از شعر معاصر را درنیافته و این خلأ همواره در شعرش احساس خواهد شد.

■ چرا به «اوستا» بی‌توجه شدیم؟ منشأ این بی‌توجهی کجاست؟ زبان ایشان است یا اندیشه ایشان یا نه پای چیز دیگری در کار است؟

خیر! این به جهت غلبه سیاست بر فرهنگ است، ما نسبت به همه همین گونه هستیم.

■ کلی می‌فرمایید؟

بله! چون سیاست جای فرهنگ نشسته است و سیاست است که الان دارد برای فرهنگ تصمیم می‌گیرد و جالب است «سیاست» سایه است و «فرهنگ» شخص است. «سایه» الان دارد برای «شخص» تصمیم می‌گیرد! در تمام کشورها مثل «تاجیکستان» و حتی «ترکیه» شعرا و نویسندگان یک مستمری ویژه از طرف دولت دارند؛ براساس کاری که ارائه می‌دهند به آنها امتیازاتی تعلق می‌گیرد، خانه دارند، ماشین دارند و زندگی‌شان تامین است، چرا که قرار نیست دنبال نان درآوردن باشند و فقط کار فکری و فرهنگی انجام می‌دهند. جالب است که ما در این سرزمین برای اهل سیاست امتیازاتی قائل شده‌ایم. طرف وقتی مدیر جایی می‌شود، برایش امکانات در نظر می‌گیرند، بعد، از اهل ادبیات و شعر توقع دارند آقا! شما کارهای حیرت‌انگیز بکنید. به قول سعدی:

«شب چو عقد نماز می‌بندم

چه خورد با مداد فرزندم!»

مشکلی که ما داریم این است که اغلب اهل سیاست، هیچ ادراکی از فرهنگ ندارند چون براساس یکسری مناسبات موفق می‌شوند و از نردبام بالا می‌آیند و جالب است که بعد از ۴ سال یا ۸ سال خیلی‌هایشان گم و گور می‌شوند جز یکسری‌هایشان که باندبازی‌ها را بلدند و از این جناح به آن جناح، از این گروه به آن گروه و از این شخصیت به آن شخصیت غش می‌کنند.

به هرحال اگر «اوستا» یا خیلی‌های دیگر فراموش شده‌اند، به این خاطر است که ما به این مسائل نمی‌پردازیم، الان شعر و ادبیات خرج سیاست می‌شود! نوک دماغش هم «فوتبال» و «سینما» است. چون سینما به چشم می‌آید و اهل سینما فراموش می‌کنند که وقتی اکران فیلم تمام شد، حتی اگر صد میلیارد هم خرجش کرده باشید به خاطره‌ها می‌پیوندد و مانایی ندارد! چند سال پیش که تیم فوتبال ما گل خورده بود، خیلی از اکابر گریه کرده بودند، کسی می‌گفت این حادثه بزرگی است، گفتم این علامت است؛ به سر فروافتادن تمام شؤون مملکت ما به سوی «نیست‌انگاری»! اینکه یک فقیه به خاطر اینکه فوتبال یک مملکت باخته است، گریه کند. چیزی که الان تا حدودی دایره شعر و ادبیات ما را سر پا نگه داشته است، همین حمایت‌های نیم‌بند حوزه هنری است و الا جای دیگری نیست که اصلا بخواهد از این کارها کند، حال آنکه اگر جماعت اهل ادبیات، فراغت ذهنی و روحی داشته باشند، احتمالا هنوز می‌توانند کارهایی کنند؛ خواجه می‌گوید: «کی شعر ترانگیزد خاطر که حزین باشد؟»

■ حزن خاطر از کجا می‌آید؟

باید یک فکری برای این می‌کردند تا کار به این جا نرسد. مقام معظم رهبری از شاعران حمایت می‌کنند و می‌فرمایند: «شعر سرمایه ملی است». بقیه برای اینکه به «آقا» تقرب پیدا کنند، فکر می‌کنند که مثلا شعرا را دعوت کنیم و مثلا یک کیف به آنها بدهیم! و چند بن کتاب هم می‌دهند! تا بیایی خانه زیپ کیف در رفته، این کل حمایتی است که حضرات می‌کنند! ما خیلی مردمان بی‌عاری بودیم که توانستیم با این وضعیت سر کنیم!

متاسفانه مدیران فرهنگی تمام توجه‌شان ظاهری است. ظاهری‌اش هم بستگی دارد که می‌خواهد خودش را به چه کسی نزدیک‌تر کند.

■ دوای این بی‌عدالتی چیست؟

دوای بی‌عدالتی، عدالت است! عدالت که بیاید، بی‌عدالتی می‌رود.

منظورم در حوزه فرهنگ است. در حوزه فرهنگ باید کار را به کسانی سپرد که درد دین و درد فرهنگ و زبان و انقلاب را دارند نه درد سیاست!

■ این بحث‌هایی که می‌فرمایید راجع به دولت‌های خاصی است یا نه همه دولت‌ها!

کلا! ما بعد از انقلاب گرفتار این مصیبت شدیم، دولت خاتمی چون رسما دنبال ولایت‌زدایی و دین‌زدایی بود، از روشنفکران قبل از انقلاب حمایت کرد. فیلم‌هایش هست و بعضی از رسانه‌های غربی هم هنوز نشان می‌دهند اینکه آمدند از خاتمی‌ها و آقایان آن طرفی تجلیل کردند و سکه دادند و برای کمک به حضرات کلی انتشاراتی راه انداختند و سرمایه دادند. کاغذ دادند و از این طرف هم طوری بود که نشریه «سوره» و «سیدمرتضی آوینی» را برنمی‌تافتند!

■ همین آقای رئیس دولت اصلاحات دنبال آن بود که یک جوری «سوره» را تعطیل کند؛ چون این مقدار مخالفت هم برنمی‌تافت. حال آنکه مخالفت، سیاسی هم نبود بلکه تفاوت چشم‌اندازهای فکری - فرهنگی بود ولی همین را هم نمی‌توانستند تحمل کنند. شما

[illegible]

■ هرچند این تعهد باعث شده سر ما بی‌کلاه بماند اما الزام به این عهد، «عهد با اسلام»، «عهد با انقلاب»، «عهد با حضرت امام»، «عهد با ولایت فقیه» [illegible]

به قول شفیعی کدکنی: «باید بچشد عذاب تنهایی را/ مردی که ز عصر خود فراتر باشد»؛ این قانون است!

مقام معظم رهبری از شاعران حمایت می‌کنند و می‌فرمایند: «شعر سرمایه ملی است». بقیه برای اینکه به «آقا» تقرب پیدا کنند، فکر می‌کنند که مثلا شعرا را دعوت کنیم و مثلا یک کیف به آنها بدهیم! و چند بن کتاب هم می‌دهند! تا بیایی خانه زیپ کیف در رفته، این کل حمایتی است که حضرات می‌کنند! ما خیلی مردمان بی‌عاری بودیم که توانستیم با این وضعیت سر کنیم!

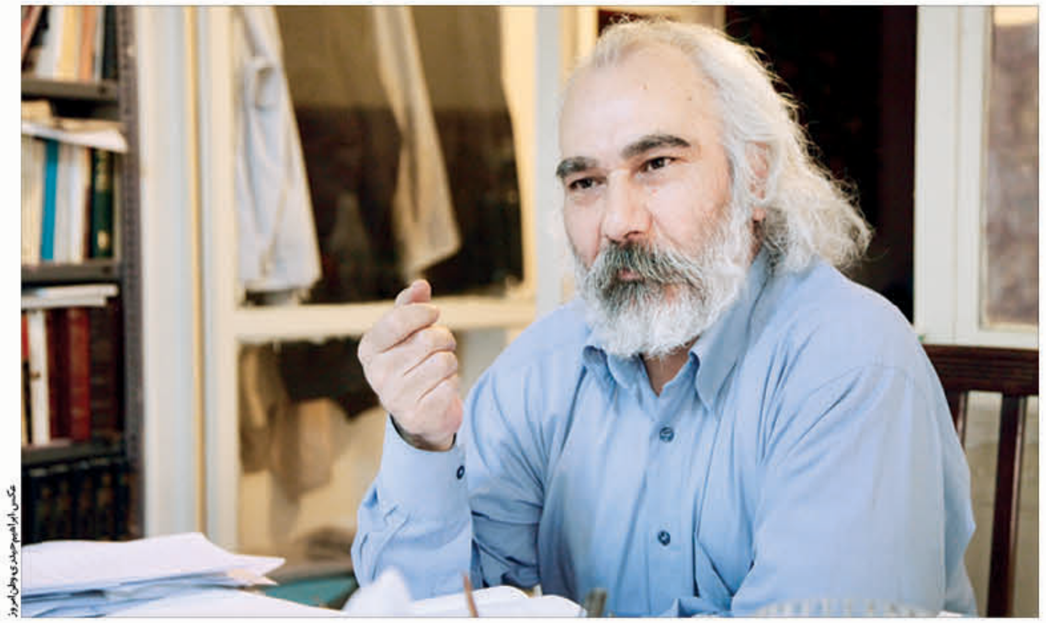

عکس: ابراهیم حیدری/ وطن امروز

■ اگر الان «سیدمرتضی آوینی» بود، چه عکس‌العملی راجع به این کارها داشت؟ [illegible]

[illegible]

■ با «سلمان هراتی» آشنایی داشتید؟

[illegible]

■ یک گله‌هایی از اعتراض در شعر سلمان هراتی به چشم می‌خورد: [illegible]

■ پس از نگاه اعتراض آمیز را به برخی شعرهای عبدالملکیان، صفارزاده و به سلمان و قزوه و کارهای خودتان محدود نمی‌بینید در «گفتمان انقلاب اسلامی» می‌بینید؟

بله! همان گفتمان انقلاب اسلامی است.

■ یعنی وقتی حضرت امام(ره) می‌گویند ما «آخوند آمریکایی» بعد «قزوه» جرات می‌کند و می‌گوید: خدایا به ما اسلام ناب آمریکایی عنایت کن...

بله! همین است.

ادامه دارد...

دولت خاتمی چون رسما دنبال ولایت‌زدایی و دین‌زدایی بود، از روشنفکران قبل از انقلاب حمایت کرد. فیلم‌هایش هست و بعضی از رسانه‌های غربی هم هنوز نشان می‌دهند [illegible]

خسارت ۱۴ میلیارد دلاری کرسنت

ادامه از صفحه ۲

■ بیشترین فشارها به صداوسیما در دولت یازدهم

نماینده مردم تهران در مجلس در بخش دیگری از سخنان خود به فشار بی‌سابقه دولت روحانی به صداوسیما اشاره کرد. میرکاظمی گفت: ما می‌گوییم ایرادی ندارد، اما چرا مصوبه شورای امنیت را کامل اجرا نمی‌کنید؟ طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی مصوبه شورای امنیت بعد از تایید مقام معظم رهبری برای مجلس و سازمان صداوسیما قابل اجراست، آیا این مسیر طی شده است؟ میرکاظمی با بیان اینکه بیشترین فشارها و بی‌سابقه‌ترین اعمال محدودیت‌ها بر صداوسیما در دولت یازدهم صورت می‌گیرد، تصریح کرد: آنها نمی‌توانند نقد درست و حسابی کنند، حتی نمی‌توانند یک گزارش از گرانی که امان مردم را روزانه بریده است، پخش کنند. وی ادامه داد: حدود یک ماه پیش برنامه پایش برنامه‌ای تحت عنوان اقتصاد ایران بعد از تحریم را تدارک دیده بود که حتی درباره آن اطلاع‌رسانی نیز شده بود، اما در هنگام گریم میهمانان اقتصادی، از نهاد ریاست‌جمهوری دستور داده می‌شود «پخش نشود و جلوگیری کنید!» واقعاً اسم این زورگویی را چه می‌گذارید؟ نماینده تهران در مجلس، اظهار داشت: آنقدر فشار آوردید که برنامه ۲۰:۳۰ هم محدود شد. بنزین را افزایش قیمت دادید اما چرا بحث صداوسیما در این باره را ممنوع و ابلاغ کرده‌اید که کسی در این باره صحبت نکند، اما از طرفی می‌گویید باید با مردم صادق باشیم؟ چه‌کسی این برخورد دوگانه را اجازه داده است؟ نماینده مردم تهران در مجلس در ادامه گفت: شما حتی در انتخاب نمایندگانی که به برنامه‌های سیاسی و اقتصادی هم دعوت می‌شوند، دخالت می‌کنید، به‌طور نمونه چند روز گذشته شبکه خبر از ۲ نماینده برای یک برنامه دعوت کرده که با فشار دولت یکی از این نمایندگان که در راه صداوسیما بود، به‌رغم اینکه اطلاع‌رسانی شده بود، بازمی‌گردد و نماینده دیگری جایگزین او می‌شود، کجای این موارد در گذشته سابقه داشته است؟ میرکاظمی اضافه کرد: اخیراً با تغییر ساعت پخش برنامه ثریا که تقارن با اذان مغرب دارد و کاهش یک‌ساعته از زمان آن، اجازه پخش یافته و لازم است بگویم پس از پخش مستند هسته‌ای، دولت فشار آورد که محل ضبط برنامه باید تخلیه شود و در حال حاضر آنها را آواره کرده‌اید، آن هم گروهی جوان را که به سرنوشت انقلاب علاقه‌مندند. کدام قانون به شما اجازه دخالت در صداوسیما را داده است؟ وی با تأکید بر اینکه دولت در توزیع سبد کالا، عملکرد ضعیفی داشت، اظهار داشت: این موضوع در صداوسیما نقش هولوکاست را پیدا کرده است، شما حتی نمی‌گذارید تصاویری که خود مردم ارسال کرده‌اند، پخش شود.

■ توقف مستند موشکی با فشار دولت

میرکاظمی در ادامه مصادیق فشار دولت به صداوسیما، یکی از این نمونه‌ها را توقف مستند موشکی در سالگرد شهید طهرانی‌مقدم عنوان کرد. نماینده مردم تهران در مجلس با طرح این سوال که چرا دولت در سالگرد شهادت شهید طهرانی‌مقدم اجازه پخش برنامه مربوط به دستاوردهای موشکی کشور را نداده است، افزود: شما با فشار به صداوسیما از پخش آن جلوگیری کردید، باید سوال شود آیا دیگر چیزی از صداوسیما باقی می‌ماند؟ میرکاظمی همچنین از تحت فشار قراردادن صداوسیما با استفاده از ابزار بودجه انتقاد و تصریح کرد: آیا درست است که با به راه انداختن جنگ روانی، موجی از فشار به مدیران صداوسیما وارد شود تا این موج به رده‌های پایین نیز انتقال یابد؟

■ شما یک مجلس بی‌خاصیت می‌خواهید

نماینده مردم تهران در مجلس، بی‌هنری، بی‌منطقی و انحصارطلبی را ناشی از تخریبی دانست که عده‌ای ضعیف که توان حل مشکلات مردم را ندارند، انجام می‌دهند. وی با اشاره به همین موضوع خطاب به وزیر ارشاد گفت: شما یک مجلس بی‌خاصیت می‌خواهید که فقط تملق‌گویی دولت را بکند که این با روح مجلس و قانون اساسی منافات دارد. نماینده مردم تهران در مجلس، تصریح کرد: کجای قانون به معاون اول رئیس‌جمهور اجازه دخالت در مجلس را داده است؟ به‌جای سیاهنمایی گذشته، مشخص بفرمایید چه گلی به سر مردم زده‌اید که حالا می‌خواهید مجلس را هم بگیرید؟ یک نکته را که به عملکرد مثبت ذکر می‌کردید کنترل نقدینگی بود که آن هم با گزارش اخیر مشخص شد در ۱۹ ماه ۳۰۰هزار میلیارد تومان به نقدینگی کشور اضافه شده است در صورتی که در ۸ سال دولت سابق جمعاً ۴۰۰هزار میلیارد تومان به نقدینگی کشور اضافه شده بود که متأسفانه آن را صرف هزینه‌های جاری کرده‌اید. میرکاظمی در پایان خاطرنشان کرد: مجلس و دولت آینده پیشکشتان، انصافا اگر در دولت سابق این اتفاق می‌افتاد روزنامه‌های زنجیره‌ای خود را به زمین و زمان نمی‌کوبیدند که آزادی از بین رفت؟ مگر یک فرهیخته میان اصحاب رسانه وجود نداشت که شما وابسته خودتان را به صندلی مسؤول انتخاب نماینده در هیأت نظارت گماشته‌اید و ترکیب را ۴ به ۳ کرده‌اید؟

نواب رسمی شیطان بزرگ

یادداشت امروز

ادامه از صفحه اول

به نظر می‌رسد علت کم‌طاقتی آمریکا و انگلیس در موضع‌گیری‌های حماقت‌آمیز درباره جریان داعش در منطقه و «فریز مذاکرات هسته‌ای» و تعویق مکرر توافق با ایران یا به قول دیپلمات‌های ایرانی «دبه در مذاکرات» نیز همین مسائل باشد. آمریکا بیش از هر زمان دیگری تشنه پیروزی داعش بر ایران است. تعویق موفقیت داعش موجب شد جنگ‌افروزی علیه یمن با قساوت سعودی‌ها، به عنوان اهرم فشار کمکی برای یکسره کردن کار و وادار کردن ایران به عقب‌نشینی جهانی از مواضع ملی و فراملی خود در منطقه به راه بیفتد پس برخلاف آنچه بعضا در ایران تبلیغ می‌شود، پیروزی مجاهدان فراملی و مستشاران نظامی ایرانی در عراق، سوریه، مرزهای لبنان یا یمن از پتانسیل ذاتی خروج مذاکرات هسته‌ای از موقعیت انفعالی کنونی و فشار بر آمریکا برای رفع اجباری تحریم‌ها و به رسمیت شناختن قدرت فرامنطقه‌ای ایران در جهان برخوردار است. در چنین شرایطی، تن دادن ایران به اجرای فراپروتکل الحاقی در شرایط ویژه امنیتی جهان و در فضایی که ایران رسما در حال جنگ با عمال منطقه‌ای داعشی- سعودی آمریکا و اسرائیل است نوعی «انتحار نظامی» در موقعیت جنگی تعبیر می‌شود. انتشار داوطلبانه لیست پایگاه‌های نظامی، توانمندی‌ها و تجهیزات جنگی همراه با لیستی از نام دانشمندان و متخصصان ارتشی و سپاهی کشور، بهترین دوپینگ برای دشمنان امنیت ایران به شمار می‌رود. چنین برگ برنده‌ای می‌تواند جنگ افروزان منطقه‌ای و نواب آمریکا در خط‌مقدم را به آسانی پیروز کرده و تومار مذاکرات را در موقعیت تضعیف روحیه و قدرت نظامی و درونی ایران به سادگی در هم بپیچد؛ موضوعی که با توجه به حوادث ۲ سال پایانی جنگ تحمیلی با رژیم بعثی می‌تواند از نگاه عبرت‌آموز تاریخی جالب توجه باشد. هر چند قدرت و نفوذ ایران نسبت به سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، بسیار بیشتر است اما با توجه به قدرت روزافزون داعش و گستردگی جبهه جنگی، هر گونه سهل‌انگاری سیاسی- امنیتی می‌تواند به بروز فاجعه‌ای بزرگ در ابعاد فرامنطقه‌ای بینجامد.

این مهم است که بپذیریم «داعش» مهره‌ای مهم و استراتژیک در دست آمریکاست و به کارگیری ظرفیت‌های ویژه این مهره در فضای مذاکرات هسته‌ای با ایران، سیاست رسمی آنهاست. وادادن بر سر میز مذاکره و پذیرش شروط نظامی ویژه‌ای همچون اجرای داوطلبانه فراپروتکل الحاقی و تن دادن به بازرسی‌های سرزده و مصاحبه با دانشمندان و نخبگان نظامی کشور نوعی کمک رسمی به داعش برای پیروزی در جنگ‌های نیابتی با ایران و خیانتی نابخشودنی محسوب می‌شود. در مقابل شکست گروه‌های مردمی درگیر با داعش در عراق و سوریه نیز از توان تاثیرگذاری بر مذاکرات برخوردار است چرا که در فضای فعلی ایران تنها وزنه امنیت‌ساز منطقه محسوب می‌شود.

علاوه بر آن خروج از موقعیت انفعالی در حوزه دیپلماسی خارجی در برابر حوادث منطقه‌ای از توان بازدارندگی زیادی در برابر شیطنت‌های احتمالی برخی کشورهای کمینه اما جویای نام منطقه برخوردار است که تاکنون به علت یکجانبه‌گرایی وزارت امور خارجه کشورمان، شاهد بروز ضعف‌های محسوسی بوده‌ایم که هزینه آن با گسترش جبهه جنگ نیابتی به کشور تحمیل شده است.

مرور رویدادها و تحلیل صف‌آرایی‌های منطقه‌ای و جهانی حکایت از آن دارد که جبهه جنگ‌های نیابتی مساله‌ای نیست که با کوشش و خطای تحلیل‌سازان خودکمبین غریزده و مدعی شعارهای ضد امنیت ملی همچون «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، قابل اداره باشد. این مهم است که بدانیم برقراری امنیت در منطقه و شکست داعش، ایران را تبدیل به ابرقدرتی جهانی و شکست‌ناپذیر می‌کند و مسیر رفع تحریم‌ها و پذیرش جهانی را با سوزاندن برگ برنده آمریکا و اسرائیل آزاد خواهد کرد.

مدیریت منابع، بایسته‌ای فراموش‌شده در هیاهوی مذاکرات

نگاه

ادامه از صفحه اول

یکی از مهم‌ترین نمودهای این بی‌میلی سوال‌برانگیز، تعلل در پیشبرد فرآیند دریافت مالیات از ثروتمندان است.

این در حالی است که در بسیاری از کشورها تجربه جمع‌آوری و ثبت اطلاعات اقتصادی شهروندان با هدف شناسایی کسانی که فرار مالیاتی می‌کنند و نیز مبارزه با مفاسد اقتصادی و جلوگیری از بهره‌مندی سودجویان از دریافت تسهیلات گوناگون به انجام رسیده است ولی از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم نشانه‌ای از پیشرفت در مسیر تحقق توسعه فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک دیده نمی‌شود. در شرایطی که دولت طی ماه‌های گذشته کوشیده با جمع کردن اعتبارات مالی از درون بازار و پیگیری سیاست شدید انقباضی نوعی انضباط مالی در اقتصاد کشور حاکم گرداند، به باور بسیاری از صاحبنظران اقتصاد، این رویه برداشتی تکسونگرانه، تقلیلگرایانه و در مجموع نادرست از سیاست‌های انضباط مالی بوده و پیامدی جز افزایش رکود، کاهش فرصت‌های اشتغال و افزایش فشارهای معیشتی بر مردم نداشته است، زیرا هدف اصلی انضباط مالی جلوگیری از هدر رفتن منابع، اولویت‌بندی در تخصیص منابع محدود و حذف هزینه‌های غیرضروری برای تامین هزینه‌های ضروری است.

چشم‌پوشی دولت از مدیریت منابع تنها محدود به منابع مالی نبوده است. در بخش مدیریت منابع انسانی دولت یازدهم یکی از ضعیف‌ترین کارنامه‌ها را به ثبت رسانده است. در حالی که مقام‌های این دولت همواره دولت نهم و دهم را متهم به فراهم کردن زمینه فرار مغزها می‌ساختند، این فرآیند طی ۲ سال گذشته با شتاب بیشتری ادامه داشته است.

مساله دیگر به کار نگرفتن نیروهای مجرب، زبده و دانش‌آموختگان دانشگاهی است که در سال‌های اخیر به بهانه نبود اعتبار برای استخدام‌های جدید صورت گرفته و به مشکل بیکاری و اشتغال تحصیلکردگان دامن زده است.

این وضعیت در زمینه مدیریت منابع طبیعی همچون منابع انرژی نیز به چشم می‌خورد. پس از روی کار آمدن دولت یازدهم بسیاری از قراردادهای توسعه‌ای در بخش نفت ملغی و نیز توسعه فازهای حوزه پارس جنوبی به بهانه نبود منابع مالی تعطیل شد تا روند توسعه زیرساخت‌های انرژی کشور با دیوار توقف برخورد کند.

به همین ترتیب این الگو به مدیریت سایر منابع کشور نیز تسری یافته و به عنوان مثال این پرسش که دولت در کنترل بحران خشکسالی و مدیریت منابع آب چه کرده است، بی‌پاسخ باقی مانده است.

در همین زمینه توصیه دیگر مقام معظم رهبری دوری از اسراف و تبذیر است. در شرایطی که دولتی‌ها می‌کوشند خود را متعهد به جلوگیری از ریخت و پاش و اجرای سرسختانه سیاست‌های انضباط مالی البته با تفسیر خاص خود نشان دهند برخی اقدام‌های دولت طی ماه‌های اخیر صرفنظر از مقدار و چند و چون تامین هزینه آن، نماد تبذیر بوده است. از دید ناظران ارسال پیامک‌های انبوه تبریک نوروزی، برگزاری جلسات دورهمی یا هزینه‌های دولتی و اعطای سکه به برخی و... از جمله نمادهایی است که عزم دولت در جلوگیری از ریخت و پاش را زیر سوال می‌برد.

به هر ترتیب اکنون شرایط کشور به گونه‌ای است که توصیه‌های رهبر انقلاب را نه در حد شعار بلکه به صورت دستورالعمل لازم‌الاجرا باید در دستور کار قرار داد و به جای هیاهوگری در زمینه آثار مخرب و ویرانگر تحریم‌ها و فرافکنی برای گریز از مسؤولیت‌ها، منابع داخلی را برای دستیابی به خواست مردم و رهبری و تحقق اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اهداف مندرج در اسناد بالادستی چون سند چشم‌انداز مدیریت کرد.